

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۷ جنوری ۲۰۲۴

آیا دولت اردوغان تروریست است یا مدیریت خودگردان روژآوا و حزب کارگران ترکیه؟

رجب طیب اردوغان که بیماری مالیخولیایی قدرتطلبی، جنگطلبی و تروریستی دارد، شنبه ۱۳ جنوری ۲۰۲۴ - ۲۳ دی ۱۴۰۲، مانند همیشه ادعا کرد که آنکارا مصمم به مقابله با تهدیدهای تروریستی است و هرگز اجازه ایجاد یک «کشور تروریستی» در نزدیکی مرزهای جنوبی خود را نخواهد داد.

اردوغان، چهکاره منطقه است که چنین امر و نهی را به زبان می آورد؟ به علاوه آیا اردوغان و حزبش نیست که بیش از دو دهه است جامعه ترکیه و منطقه را به جولانگاه اهداف مخرب و ضدانسانی، تهدید و ترور، سانسور و سرکوب تبدیل کرده و همچنان بر طبل جنگطلبی و کشورگشایی و خشونت می کوبد؟؟

ارتش ترکیه با حمایت از شبه نظامیان اسلامی سوریه ای حمایت می کند و بخش هایی از روژآوا را به اشغال نظامی خود درآورده و در درون خاک اقلیم کردستان عراق، پایگاه های نظامی نهان و آشکار برپا کرده تا نیروهای پ.ک.ک را سرکوب کند. دولت اردوغان و خانواده وی، سابقه همکاری با داعش را در کارنامه سیاه خود دارند. بلال اردوغان، پسر رجب طیب اردوغان، یکی از خریداران نفت ارزان داعش بود. ارتش ترکیه بر علیه پ.ک.ک، حتی از بمب های ممنوعه کیمیایی و فسفری استفاده کرده است و... پس چه کسی و چه جریانی تروریست است؟ در حالی که نیروهای روژآوا هرگز تعرضی به ترکیه نکرده اند.



روزنامه المانی «هاندلز بلات» با اشاره به انتشار مستندات روسیه در خصوص تجارت ترکیه با نفت داعش و سابقه «بلال اردوغان» فرزند رئیس‌جمهور ترکیه و انتشار عکس‌های وی با عناصر داعشی نوشته که پسر اردوغان وزیر نفت داعش است.

روزنامه المانی «هاندلز بلات» در اواخر سال ۱۳۹۴، در گزارشی درباره قاچاق نفت سوریه توسط داعش و انتقال آن به ترکیه نوشته که «بلال فرزند رجب طیب اردوغان وزیر نفت گروه تروریستی داعش است.» این روزنامه المانی با اشاره به این‌که وجهه و آبروی بلال اردوغان به کلی از بین رفته است، نوشت: بلال با وجود این‌که تلاش کرد خود را خوب و سالم نشان دهد، اما گذشته وی سرشار از «نکات سیاهی» است که گواهی بر صدق ادعای روسیه در خصوص خرید ارزان نفت داعش توسط ترکیه است.

روزنامه هاندلز بلات به سابقه سیاه فرزند اردوغان در اختلاس و مسایل مالی و پرونده وی در پول‌شویی دارایی‌های اردوغان پدر اشاره کرد و نوشت: مدارک و اسنادی که دادستانی کل ترکیه در این خصوص جمع‌آوری کرده است شامل تصاویر و مکالمات ثبت شده تلفونی بین پدر و پسر است که رجب طیب اردوغان در آن زمان سمت نخست وزیری ترکیه را بر عهده داشت. در این مکالمات تلفونی ثبت شده است که اردوغان از فرزندش خواست تا «همه دارایی‌ها را پس دهد.»

این روزنامه در ادامه نوشت: این در حالی است که انگشت اتهام صادرات نفت قاچاق داعش از عراق به کشورهای آسیایی، به سمت «اردوغان پسر» نشانه می‌رود. رسانه المانی همچنین گزارش داد، سئوالی که برای رسانه‌های ترکیه بارها ایجاد شده است این‌که چرا کشتی‌های بلال اردوغان در نزدیکی آب‌های سوریه مستقر هستند. روزنامه المانی «هاندلز بلات» در گزارشی درباره قاچاق نفت سوریه توسط داعش و انتقال آن به ترکیه نوشته که «بلال فرزند رجب طیب اردوغان وزیر نفت گروه تروریستی داعش است.»

این روزنامه المانی با اشاره به این‌که وجهه و آبروی بلال اردوغان به کلی از بین رفته است، نوشت: بلال با وجود این‌که تلاش کرد خود را خوب و سالم نشان دهد، اما گذشته وی سرشار از «نکات سیاهی» است که گواهی بر صدق ادعای روسیه در خصوص خرید ارزان نفت داعش توسط ترکیه است.

این روزنامه المانی در ادامه موضوع دومین مکالمه تلفونی در اوایل سال ۲۰۱۴ در خصوص دریافت ۱۰ میلیون دلاری فرزند اردوغان را که مشخص نشده چه کسی این مبلغ را پرداخت کرده است، یادآور شد و آن را به مسیله طرح لوله‌کشی برای انتقال نفت مرتبط دانست.



سربازان ترکیه در هنگام انجام عملیات نظامی در خاک عراق - عکس: خبرگزاری آناتولی

ترکیه از ۱۷ آوریل ۲۰۲۲-۲۸ فروردین ۱۴۰۱، عملیات «پنجه - قفل» را با هدف حزب کارگران کردستان (پکک) در مناطق متینه، الزاب و افشین - بازیان در شمال عراق آغاز کرده است.

پس از تایید خبر کشته شدن ۱۲ تن از نیروهای نظامی ارتش ترکیه به دست گریلاهای حزب کارگران کردستان «پکک» در درگیری‌های دو روز اخیر در کردستان عراق، در منطقه عملیاتی موسوم به پنجه قفل (زاپ، آواشین، متینا) و خاکورک، واکنش‌های گسترده‌ای به این خبر در فضای رسانه‌ای ترکیه شکل گرفت. یکی از این واکنش‌ها مربوط بود به سخنان اورکون اوزلر سرهنگ بازنشسته ارتش ترکیه که پیش‌تر در منطقه نظامی اینجیرلیک که پایگاه نظامی امریکا در آن قرار دارد، خدمت کرده است.

اورکون اوزلر سرهنگ بازنشسته ارتش ترکیه در سخنانی عملیات «پنجه قفل» را یک اشتباه بزرگ تاکتیکی و استراتژیکی توصیف کرد که عواقب بدی برای ترکیه داشته است. او مسئولیت آغاز این عملیات اشتباه را در کردستان ترکیه بر عهده «خلوصی آکار» وزیر دفاع پیشین ترکیه دانست.

اوزلر با شرکت در یک برنامه تلویزیونی خبری در شبکه KRT در تحلیل درگیری‌های اخیر در منطقه عملیاتی پنجه قفل، گفت: «من به عنوان یک نظامی که به منطقه شمال (کردستان) عراق سفر کرده‌ام و این منطقه را به خوبی می‌شناسم، باید بگویم که این عملیات هم از نظر استراتژیک و هم از نظر تاکتیکی اشتباه بوده است.»

اوزلر با اشاره به مسئولیت خلوصی آکار، نماینده حزب عدالت و توسعه (AKP) و رئیس کمیسیون دفاع ملی مجلس ترکیه و وزیر سابق دفاع ترکیه، در این عملیات، گفت: «خلوصی آکار این نیروها را وارد آن منطقه کرد و اکنون ما داریم تقاص این تصمیم اشتباه را می‌پردازیم.»

او افزود: «وقتی برای یک عملیات نظامی برنامه‌ریزی می‌کنید، باید در ابتدا به این موضوع بپردازید که در مواقع لازم جان‌باختگان و مجروحان را چگونه از منطقه تخلیه کنید؛ با این‌ها شروع به برنامه‌ریزی عملیات نظامی می‌کنید.»

اوزلر با اشاره به گفتگو و دیدارهای خود با نظامیان ترکیه که در منطقه عملیاتی در کردستان عراق خدمت می‌کنند، گفت: «ما هم با آن‌ها دیدار و گفتگو می‌کنیم، خبر داریم که در آن‌جا چه خبر است. شاید آن‌ها نمی‌توانند این موضوعات را به فرماندهان خود بگویند، یا فرماندهان آن‌ها سخنان نیروهای خود را ناشنیده می‌گیرند.»

اوزلر با بیان این که «سال‌هاست که داریم در منطقه کشته می‌دهیم، گفت: «دیروز هم کشته داده‌ایم، امروز هم می‌دهیم، فردا هم خواهیم داد، اما باید از خودمان بپرسیم چرا این همه کشته می‌دهیم؟ این مهم است. آیا می‌خواهیم از مرزمان حفاظت کنیم؟ باشد، من با نیمی از همین نیروها که در منطقه مستقر شده‌اند هم می‌توانم این مرز را محافظت کنم.»

او گفت که با نیروهای اطلاعاتی و دیگر نیروهای مربوطه می‌توان حرکات نیروهای PKK در مناطق زاپ، متینا، آواشین و گاره را کنترل کرد و نیازی به حضور مستمر نیروهای نظامی در منطقه نیست.

اوزلر در ادامه با بیان این که مردم منطقه (کردستان عراق) نیروهای ما را دوست ندارند، گفت: «شما نمی‌توانید ویژگی‌های این منطقه را مثل داخل ترکیه در نظر بگیرید. زیرا نیروهای بارزانی و مردم محلی این منطقه (در حقیقت) دوستان ما نیستند.»

اوزلر گفت: «مقامات وزارت دفاع ادعا می‌کنند که نیروهای ما از مناطق مسکونی دور هستند، نه دوستان. خود مقامات می‌دانند که تا بیخ گوش مناطق مسکونی رفته‌اند و خودشان می‌دانند که آخرین عملیات‌شان در چه شرایطی بوده است. به این دلیل، یکبار دیگر بر روی این که عملیات مذکور چه قدر از جهت تاکتیکی و استراتژیک اشتباه بوده است، تأکید می‌کنم.»

این سرهنگ بازنشسته ارتش ترکیه در پایان، با اشاره به ادعای برخی از ملی‌گرایان افراطی درباره این که عملیات ترکیه در کردستان عراق این کشور را به تحقق اهداف پروژه موسوم به «میثاق ملی» نزدیکتر کرده است، گفت: «بله، این در صورتی رخ می‌داد که مردم آن منطقه و دولت بارزانی خودشان می‌آمدند و می‌خواستند تا ما (دولت ترکیه) آن‌ها را هم مدیریت کنیم. ما به این نمی‌توانیم نه بگوییم. تازه در صورتی که این‌کار را هم بکنیم دو سال بعد همان‌ها با پیوستن به کردستان ترکیه خواستار برقراری مدیریت خودگردان در همه این جغرافیا می‌شوند. این که اجازه بدهیم این مناطق به هم بپیوندند یک اشتباه است.»

سخنان این سرهنگ بازنشسته ارتش ترکیه، نشان‌دهنده اختلاف بین نیروهای نظامی این کشور بر علیه مردم کرد است. در عین حال او به اشغالگری نظامی ترکیه در اقلیم کردستان عراق اقرار می‌کند و می‌گوید که مردم کرد منطقه ما را نمی‌خواهند و آن‌ها نخواسته‌اند که ما آن‌ها را مدیریت کنیم. او همچنین به قدرت پکک در این منطقه، آگاه و به همین دلیل می‌گوید ما با نیروهای اطلاعاتی حرکات پکک را کنترل کنیم.

ادامه عملیات «پنجه قفل» بین احزاب سیاسی ترکیه نیز به موضوع اختلاف تبدیل شده است. حزب عدالت و توسعه و همپیمانش حزب حرکت ملی که در قدرت حضور دارند بر ادامه این عملیات تاکید می‌کنند و می‌گویند که «ریشه‌های تروریسم را از خاک بیرون می‌کشند.»

اما حزب جمهوری‌خواه خلق، دم‌پارتی و احزاب چپ نظر متفاوتی به این جنگ دارند. تونجر باکراهان، رئیس‌مشتترک دم‌پارتی (حزب نزدیک به حزب دموکراتیک خلق‌ها)، حزبی که از حقوق‌کردها دفاع می‌کند، ضمن انتقاد از ادامه عملیات پنجه قفل گفته است: «کسانی که از ادامه جنگ ضررمند نمی‌شوند، از لزوم ادامه جنگ صحبت می‌کنند. چون آن بهایی نمی‌پردازند. اما جامعه از جنگ خسته شده است. ما جنگ نمی‌خواهیم و دیگر نمی‌خواهیم که شاهد کشته‌شدن فرزندان این کشور باشیم.»

اوزگور اوزل، رهبر حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP) نیز ضمن انتقاد از ادامه عملیات پنجه قفل به رسانه‌های ترکیه گفته است: «به‌جای این‌که بگوییم نباید خون فرزندانمان نباید روی زمین بماند، بگوییم که خون فرزندانمان نباید ریخته شود.»

ترکیه و متحدانش از جمله امریکا و اتحادیه اروپا حزب کارگران کردستان را یک سازمان تروریستی می‌دانند. اما این حزب، برای احقاق حقوق شهروندان ترکیه به‌ویژه مردم کرد و اقلیت‌ها مبارزه می‌کند. پروسه صلح که در میان این حزب و آنکارا در جریان بود، در سال ۲۰۱۵ و در پی یک سلسله درگیری و همپیمانی اردوغان با حزب راست افراطی حرکت ملی در هم شکست و از آن زمان تا کنون درگیری‌ها بار دیگر افزایش یافته‌اند.

حملات ارتش ترکیه در مناطق خودگردان شمال و شرق سوریه - روژآوا تنها محدود به شبه‌نظامیان کرد نبوده است. بر اساس گزارش رسانه‌های کردی در سه روز گذشته ترکیه زیر ساخت‌های حیاتی این منطقه در شهرها و مناطق مختلف را هدف قرار داده است.

آژانس خبری هاوار، در گزارشی خبر داده که در اثر حمله ارتش ترکیه به شبکه برق کوبانی، ۶۴ روستا و برخی از محله‌های این شهر دچار قطعی برق شده‌اند.

ترکیه در هفته‌های گذشته نیز بارها تأسیسات حیاتی از منطقه از جمله کارگاه‌ها، آب‌بندها، شبکه‌آبرسانی، شبکه برق‌رسانی و سیلوا را هدف قرار داده است.

در همین‌باره اداره مناطق خودگردان شمال و شرق سوریه (روژآوا)، اطلاعیه‌ای منتشر کرده و ضمن محکوم‌کردن این حملات گفته است که هدف ترکیه از این حملات «کوچاندن اجباری ساکنان این منطقه است.»

دولت ترکیه، کردهای سوریه را به دلیل نزدیکی سیاسی به پکک به عنوان تهدیدی علیه خود می‌بیند و بارها آن‌ها را هدف قرار داده است. عفرین و سریکانی دو منطقه در شمال سوریه هستند که طی درگیری‌های نظامی گسترده به اشغال نظامی ترکیه و شبه‌نظامیان اسلام‌گرای متحد آنکارا درآمده‌اند.

دولت ترکیه، به رهبری رجب طیب اردوغان بیش از ۲۰ سال است که بر ترکیه حاکمیت دارد و در این دو دهه، کسب و کار دائمی اردوغان و حزب حاکمه به رهبری او، در جنگ داخلی سوریه در کنار گروه‌های تروریستی از جمله داعش و النصرة و ارتش آزاد سوریه قرار دارد و این نیروها در منطقه‌ای که ارتش ترکیه برای آن‌ها فراهم کرده است مستقر هستند. ارتش نیروهای به‌همراهی همین گروه‌های مذهبی-تروریستی از ۲۰۱۸ کانتوت روژآوا (بخش از کردستان سوریه) را اشغال کرده‌اند. ارتش و سازمان امنیت ترکیه در درون خاک عراق و با همکاری دولت اقلیم کردستان عراق، پایگاه‌های نظامی و امنیتی برپا کرده است که هدف اصلی‌شان ترور فعالین حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) و حمله به پایگاه‌های چریکی این حزب در ارتفاعات و دامنه کوه قندیل است.

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه با دستور حمله به کردستان سوریه در سال ۲۰۱۸ و آواره کردن بیش از سیصد هزار مردم کرد و غیرکرد بی‌گناه در آغاز فصل سرما و به جا گذاشتن صدها زخمی و کشته، باعث و بانی یک «جنایت جنگی و ضد انسانی» شده است.

در یک نگاه کوتاه مدت ظاهراً اردوغان با این جنایت جنگی پیروز میدان در داخل ترکیه شد. زیرا در داخل ترکیه که حزبش در محاصره نارضایتی اقتصادی مردم گرفتار بود و در همین چند ماه گذشته در انتخابات شهرداری استانبول شکست مهیب خورده بود مجدداً آرای ناسیونالیسم ترک و مذهبی را به خود جذب کرد.

در واقع این روزها، مناطق زاپ و آواشین برای ارتش اشغالگر ترکیه تبدیل به کابوس گشته و نیروهای گریلا با به کارگیری تاکتیک نوین جنگ گریلایی توانسته‌اند دومین ارتش ناتو را در این مناطق به زانو در آورند.

بر اساس گزارش‌هایی که دوشنبه ۱۵ جنوری، منتشر شده، در دو روز اخیر و طی حملات گریلا به مواضع ارتش اشغالگر ترکیه دست‌کم ۶۱ نفر کشته و ۲۷ نفر دیگر زخمی شده‌اند. همچنین مقداری زیادی از تجهیزات نظامی ارتش به دست گریلاها افتاده است. این عملیات غافلگیرانه گریلاها علیه ارتش ترکیه، بحران شدیدی در کابینه دولت اردوغان به وجود آورده است. دولت اردوغان و فرماندهان جنگ ویژه که یک سال بود در بوق و کرنا پایان پ.ک.ک را اعلام می‌کردند، با تحمل این شکست خود، جلسات اضطراری برقرار نموده و فرماندهان نظامی جهت تقویت ارتش شکست خورده خود به مرزهای جنوب شرقی بروند. همچنین در رسانه‌ها و فضای مجازی با هدف کنترل نمودن اوضاع، سعی دارند با دادن اخبار ضد و نقیض از میزان تأثیرات آن کم نمایند.



گریلاهای پکک

ارتش متجاوز و اشغالگر ترکیه در حملات جدید خود که از ۱۲ جنوری آغاز کرده، تمامی تاسیسات برق، آب، نفت و گاز روژآوا را هدف قرار داد. حملات دولت ترکیه به زیرساخت‌های غیرنظامی، که منازل عمومی را نیز بمباران کرد، در شرایط زمستانی باعث شد تا مردم با شرایط سخت شدیدی روبه‌رو شوند.

بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی شورای انرژی اداره خودمدیریتی دموکراتیک، دوشنبه ۱۵ جنوری ۲۰۲۴، ایستگاه سُدیه در دِریک که نیازهای برق و گاز کانتون جزیره را تامین می‌کند، به طور کامل از کار افتاده است. به همین ترتیب ۷ ایستگاه برق در کانتون‌های جزیره و فرات از کار افتادند.

زیاد رستم، رئیس مشترک دفتر انرژی اداره خودمدیریتی، با ارائه اطلاعات به خبرگزاری هاوار (ANHA)، اظهار داشت که ایستگاه‌های برق در تربسپیه، قامشلو، عاموده، دربسیه، عین عیسی، کوبانی و تل‌تمر در جریان حملات از کار افتاده‌اند.

به گفته رستم، تمام شهر دِریک در کانتون جزیره، ۷۰ درصد شهر قامشلو، چلاخا، تل‌کوچر، تربسپیه، تل‌حمیس، عاموده، دربسیه و تل‌تمر و شهرستان عین عیسی و صدها روستای کانتون فرات برق قطع شده است.

زیاد رستم اظهار داشت که در شهر و شهرستان‌های مذکور بیش از ۸۰۰ روستا تقریباً ۲ میلیون نفر بدون برق مانده‌اند. دولت اشغالگر ترکیه در ماه‌های اکتبر و دسامبر ۲۰۲۳ ایستگاه‌های برق، آب، نفت و گاز منطقه را بمباران کرد و میلیون‌ها نفر را از خدمات حیاتی محروم کرد.

به‌گفته منابع محلی، در ۴۸ ساعت گذشته ۵۶ منطقه با جنگنده‌ها و پهپادها مورد حمله قرار گرفته است. در این حملات ۶ شهروند از جمله ۲ کودک سه و چهار ساله و یک خبرنگار زخمی و ۵ سرباز دولت دمشق جان باختند.

از سوی دیگر، منابع امنیتی ترکیه، دوشنبه ۱۵ جنوری-۲۵ دی، فاش کردند که اطلاعات ترکیه «هولیا مرسین»، یکی از فرماندهان ارشد حزب کارگران کردستان را طی یک عملیات امنیتی در منطقه «میتین» در شمال عراق کشته است.

آنکارا برای دومین روز متوالی و تنها یک روز پس از اعلام کشته شدن «حسن سیبوری» که اطلاعات ترکیه او را مامور اطلاعاتی (پ.ک.ک) در منطقه سلیمانیه می‌داند، هدف قرار دادن فرماندهان نیروهای کُرد در شمال عراق را اعلام می‌کند.

رسانه‌های ترکیه به نقل از منابع امنیتی گزارش دادند که حملاتی که آخر هفته گذشته انجام شد، سازه‌های پیش‌ساخته در کنار کارخانه فرانسوی لافارژ را ویران کرده است.

اطلاعات ترکیه، یکشنبه ۲۴ دی، از انهدام ۲۳ هدف با اهمیت استراتژیک متعلق به حزب کارگران کردستان و یگان‌های مدافع خلق کُرد تحت حمایت امریکا در سوریه خبر داد.

این حملات ترکیه تاسیسات انرژی، زیرساخت‌ها، تاسیسات نظامی و اطلاعاتی از جمله انبارهای مهمات و فرماندهان عالی‌رتبه را هدف قرار داد.

سایت‌های منهدم شده شامل پنج سایت زیرساختی حیاتی از جمله سه ایست بازرسی، هشت تاسیسات نظامی، دو انبار مهمات، دو انبار لجستیک و دو انبار خودروهای فنی می‌شود که (پ.ک.ک) و (ی.پ.گ) برای اهداف نظامی استفاده می‌کنند.

این عملیات آنکارا پس از آن انجام می‌شود که ۹ سرباز ترکیه طی درگیری روز جمعه با اعضای حزب کارگران کردستان در شمال عراق کشته شدند.

از آن زمان، ترکیه سرکوب اهداف (پکک) و (یپگ) را در واکنش به حملات مسلحان کُرد به پایگاه‌های ترکیه در شمال سوریه و عراق تشدید کرده است که در نتیجه این رویارویی‌ها در کمتر از یک ماه مجموعاً ۲۱ سرباز ترکیه کشته شدند.

علی یرلی کایا، وزیر کشور ترکیه نیز به نوبه خود از دستگیری ۱۸ نفر از ۳۷ نفری که در اظهارنظر خود در مورد کشته شدن ۹ سرباز ترکیه‌ای، مطالبی تحریک‌آمیز منتشر کرده‌اند، خبر داد و به آغاز مراحل قانونی برای پیگرد ۱۳۳ نفر در خارج از این کشور اشاره کرد.

دولت فاشیست ترکیه و ارتش اشغالگر متجاوز آن، پس از متحمل شدن ضربات سنگین یکی پس از دیگری نیروهای گریلا، دچار آشفتگی عمیقی شده و برای پنهان نمودن شکست‌هایش در جبهه‌های جنگ و مقاومت در برابر گریلاهای آزادی‌بخش کوردستان در مناطق زاپ، آواشین، خواکورک، متینا و آمدی و هم‌زمان برای منحرف کردن افکار عمومی داخلی ترکیه و همچنین بالا بردن روحیه سربازانش، دست به تبلیغات کذب و دروغین زده است.

گریلاهای آزادی‌بخش کوردستان با فرا رسیدن فصل سرما و برف زمستانی، حملات خود به ارتش اشغالگر ترکیه در مناطق جنگی را افزایش داده و در زنجیره‌ای از عملیات‌های جدید گریلا که در ۱۱ و ۱۲ ماه جاری در منطقه آمدی انجام شد، ضربات سنگینی به ارتش اشغالگر ترکیه وارد کرده و طی عملیاتی گسترده و طوفانی این ارتش را در هم شکسته و ۶۱ ژاندارم و سرباز ترک کشته شد. این عملیات گریلاهای آزادی‌بخش کوردستان تحت عنوان عملیات «شهید هلمت یرلُک» انجام شد. اما دولت اشغالگر ترک و ارتش یک بار دیگر با پنهان نمودن تعداد حقیقی کشته‌ها و مجروحان در مقابل افکار عمومی ترکیه و جهان فقط به کشته شدن ۹ سرباز ترک اعتراف کرده و شورای امنیت میهنی ترکیه در جلسه‌ای فوری تصمیم به ادامه دادن به حملات‌شان علیه باشور و روژاوای کوردستان گرفت.

در همین چهارچوب وزارت دفاع دولت ترکیه و رسانه‌های وابسته به حکومت و دستگاه اطلاعاتی این کشور «میت» با هدف پنهان نمودن حقایق، اسامی تعدادی از رفقای گریلا را که در حملات گذشته دولت اشغالگر ترکیه به شهادت رسیده بودند، با عنوان آن‌که در عملیات‌های جدید دولت و ارتش ترکیه به شهادت رسیده‌اند، در رسانه‌های خود منتشر کرده و این نیز یک تلاش مشترک دستگاه‌های ارتش و دستگاه اطلاعاتی ترکیه است و این‌گونه می‌خواهند افکار عمومی را فریب داده و تعداد حقیقی کشته‌های خود را پنهان کنند.

در همین راستا، دولت ترکیه و دستگاه‌ها و رسانه‌های دولتی نام رفیق جان‌باخته «حسن صبور» با نام سازمانی «ردور باز» که در تاریخ ۶ دسامبر مشخصات وی به‌طور رسمی توسط یگان‌های روژهلات کوردستان منتشر شده بود را پخش کرده و این‌گونه نشان دادند که گویا این رفیق در حملات جدید دولت ترکیه جان باخته رسیده است. پیش‌تر نیز دولت ترکیه و دستگاه‌های نظامی و اطلاعاتی این حکومت دیکتاتوری و جنگ‌طلب، اخبار نادرست بسیاری را برای فریب افکار عمومی منتشر کرده و این کار همیشگی آن‌هاست.

بنابراین، این تلاش‌های دولت اشغالگر ترکیه برای منحرف نمودن افکار عمومی نمی‌تواند ذره‌ای از ارزش‌های عملیات تاریخی گریلاهای آزادی‌بخش کوردستان بکاهد. ضربات سهمگین نیروهای گریلا دولت ترکیه را تحت فشار گذاشته و دچار هیستریک کرده است.

دولت ائتلافی فاشیستی و جنگ‌طلب حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی به ریاست جمهوری رجب طیب اردوغان، برزرگترین خطا و محاسبه‌شان این است که می‌تواند گریلاها حزب کارگران کوردستان «پ.ک.ک.» و سیستم دموکراتیک کوردستان سوریه (روژآوا) را از بین ببرد. مبارزه مردم کورد، یک مبارزه تاریخی و بی‌وقفه برای آزادی و برابری دموکراسی مستقیم است. در سال‌های اخیر، قدرت‌نمایی ارتش فاشیست ترکیه و این دومین اثرش عضو ناتو و

گریلاهای کرد، نشان داده است که نهایتاً مبارزه برای آزادی و نابودی دیکتاتور و اختناق شکست‌ناپذیر است. به عبارت دیگر، حاکمیت نمی‌تواند با قلدری و جنگ و سرکوب مردم جان به لب رسیده را آرام و یا مرعوب نماید.

اردغان جنگ خود علیه مردم کرد ترکیه و روژآوا و پ.ک.ک را از سال ۲۰۲۱ تشدید کرده است. اردوغان رئیس جمهور ترکیه اعلام کرده که دولت ترکیه با گفتن «ما در حال انجام گسترده‌ترین جنگ در تاریخ جمهوری خود هستیم» حملات همه جانبه‌ای را علیه گریلاها و مردم کرد انجام داده است. وقتی به جنگ سه سال اخیر توجه کنیم، می‌بینیم که چگونه دولت فاشیست ترکیه، تمام نهادهای خود را برای جنگ بسیج کرده است و از همه امکانات خود برای تامین مالی جنگ استفاده می‌کند. بنابراین، دولت ترکیه، طبق برنامه و استراتژی خود، آخرین ضربه کاری را به گریلاهای و مردم کرد وارد می‌کند. هدف از بین بردن گریلاها، پراکنده کردن مبارزات آزادی‌خواهانه مردم و نهایتاً اجرای نقشه «قتل‌عام» مردم حق‌طلب و آزادی‌خواه کرد است.

دولت اشغالگر ترکیه در این راستا، مرتکب جنایات جنگی شده و در گسترش جنگ خود، حتی از بمب‌های میکروبی و کیمیایی و فسفوری نیز استفاده کرده است.

بر اساس گزارشات حزب کارگران کردستان، به‌طور خلاصه ارتش ترکیه در جنگ ۲۰۲۱ در آواشین، زاپ و متینا: ۲۰۲۵* حمله هوایی، ۳۶۷ حمله با سلاح کیمیایی، ۴۳۶ حمله با توپ و خمپاره. در برابر این حملات، گریلاها ۷۴۲ عملیات را انجام دادند. ۲۹۸ گریلا به شهادت رسیدند. ۸۶۱ سرباز اشغالگر ترکیه کشته و ۱۲۸ نفر زخمی شدند. این بالاترین داده از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ است.

*تراز جنگ ۲۰۲۲ در زاپ (شرق، غرب)، آواشین و متینا: ۴۵۲۷ حمله هوایی، ۳۲۸۰ حمله با مواد منفجره و سلاح‌های کیمیایی ممنوع، ۵۷۰۲ حمله با هلیکوپتر. نیروهای گریلا در مجموع ۳۰۳۴ عملیات انجام دادند. ۳۰۱ گریلا جان خود را از دست دادند. در نتیجه عملیات‌های گریلا، ۲۹۴۲ سرباز اشغالگر ترکیه کشته و ۴۰۸ نفر مجروح شدند. *تراز جنگ در سال ۲۰۲۳: ۱۵۸۰ حمله هوایی، ۱۰۳۸ حمله با مواد منفجره و سلاح‌های کیمیایی ممنوعه. ۳۴۲ حمله با پهباد، ۹ حمله تاکتیکی بمب هسته‌ای. نیروهای گریلا ۱۷۱۲ عملیات انجام دادند. ۱۷۹ گریلا جان باختند. ۹۱۹ سرباز اشغالگر ترک کشته شدند که از این تعداد ۷ سرباز حقوق بگیر و ۲ نفر کنتررا بودند. ۱۲۸ سرباز اشغالگر نیز زخمی شدند.

چنین چنین حملاتی جز «نسل‌کشی»، چیز دیگر نیست. دولت ترکیه در سه سال گذشته ۱۳۸۳۴ حمله هوایی انجام داده است. همچنین ۴۶۸۵ بار با مواد منفجره و سلاح‌های کیمیایی ممنوعه حمله کرد. هر روز صدها بار با توپ، خمپاره و تانک حمله می‌کند. در عین حال، در سال ۲۰۲۳، با وجود ۶ ماه عدم فعالیت، گریلاها در سه سال گذشته ۵۴۸۸ فعالیت و عملیات انقلابی انجام دادند. بدون شک با این عملکرد و مقاومت، جنگ گریلا، وارد مرحله جدیدی شده است.

ضرورت دارد که به سخنان «دولت باخچلی»، رهبر «حزب حرکت ملی»، که شریک دولت اردوغان است، توجه کرد: «پرچم ترکیه را در قندیل به اهتزاز در خواهیم آورد.» قرار بود این هدف نهایی دولت باشد. آخرین ایستگاه این حملات قندیل بود. اما از سال ۲۰۲۱ ارتش ترکیه، حتی نتوانسته مناطق زاپ، آواشین و متینا مستقر شود!

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه هم مانند حاکمان عراق و سوریه در سال‌های پیش، از سلاح‌های کیمیایی در جنگ علیه کردها استفاده می‌کند. اما ای جنایت ارتش ترکیه، متأسفانه با وجود اسناد فراوان، واکنش‌های اندکی در «جامعه بین‌المللی» ایجاد کرده است.

استفاده از سلاح‌های کیمیایی در خاورمیانه چیز جدیدی نیست. در سال ۱۹۸۸، حلبچه هدف بمباران گازهای سمی قرار گرفت. در اوج جنگ ایران-عراق، صدام حسین به این شهر مرزی کردنشین خود، که به دست نیروهای ایرانی افتاده

بود، حمله کرد و ۵ هزار انسان از کوچک و بزرگ و پیر و جوان را کشت. امروز هنوز حلبچه بالاترین میزان ابتلا به سرطان و تولد کودکان ناقص الخلقه را در سراسر عراق دارد. شایعاتی رواج دارد که گاز خردل و سیانور که باعث این کشتار شد، توسط ارتش عراق از یک تارنمای فروش آنلاین آمریکایی خریداری شده بود.

اما در آن زمان، همه کشورهای غربی انواع تسلیحات را به عراق می‌فروختند و آن را به‌عنوان سنگری در برابر صدور پان‌اسلامیسم جمهوری اسلامی ایران می‌دانستند. این حمله، با آن که افکار عمومی را به خشم آورد، در «جامعه بین‌المللی» با بی‌تفاوتی ناشایستی روبه‌رو شد.

گزارشگر سازمان ملل متحد، به این اکتفا کرد که بنویسد: «باز هم از سلاح‌های کیمیایی، هم در ایران و هم در عراق استفاده شد و تعداد قربانیان غیرنظامی افزایش یافت.»

یک ماه بعد، کمیسیون فرعی حقوق بشر سازمان ملل متحد علیه محکومیت عراق به‌خاطر تجاوز به حقوق بشر رای داد.

پس از حلبچه، که نخستین بمباران کیمیایی یک کشور علیه مردم خود بود، چیز زیادی تغییر نکرد و از این سلاح‌ها، همچنان در درگیری‌های خاورمیانه استفاده و با بی‌تفاوتی تقریباً عمومی روبه‌رو می‌شود.

تولید سلاح‌های کیمیایی که گاه «سلاح هسته‌ای فقرا» نامیده می‌شود آسان است: مواد تشکیل دهنده آن‌ها در محصولاتی مانند خمیردندان و فرآورده‌های دارویی نیز به کار می‌رود. از آنجا که این مواد مصرف دوگانه غیرنظامی و نظامی دارد و صادرات آن‌ها منوط به داشتن مجوزهای خاص نیست، تهیه آن‌ها چندان دشوار نیست. نگهداری (و پنهان سازی) سلاح‌های کیمیایی نیز آسان است و این مزیت را دارد که می‌تواند در مناطقی که دسترسی به آن‌ها دشوار است (به‌ویژه تونل، غار و پناهگاه‌های زیرزمینی) به کار برده شود. این سلاح‌ها رد و اثر فوری در محیط زیست به‌جا نمی‌گذارد و این امر اثبات استفاده از آن‌ها را دشوار می‌کند. این‌ها مجموعه دلایلی است که بی‌پیگرد ماندن یا تلافی شدن استفاده از آن‌ها را توضیح می‌دهد. تا امروز، جامعه بین‌المللی هرگز در یک درگیری ناشی از استفاده از سلاح‌های کیمیایی مداخله نکرده است.

این درحالی است که از زمان تصویب عهدنامه ژنو در سال ۱۹۲۵، استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا مشابه آن یا وسایل باکتریایی در جنگ‌ها ممنوع شده است. در سال ۱۹۸۹، یک کنفرانس بین‌المللی درباره ممنوعیت کاربرد سلاح‌های کیمیایی در پاریس برگزار شد. در سال ۱۹۹۳، کنوانسیون در مورد ممنوعیت ساخت، تولید و ذخیره‌سازی سلاح‌های کیمیایی برگزار شد. این کنوانسیون موجب ایجاد «سازمان ممنوعیت سلاح‌های کیمیایی» (OIAC) یا به انگلیسی (OPCW) شد که امروز ۱۹۳ کشور عضو آن هستند.

اما این نهادها و تعدد کشورهای عضو آن‌ها دربرابر ذخیره‌سازی غیرقانونی توسط برخی از همین کشورها رنگ می‌بازد. اکنون بیش از یک ربع قرن از تاسیس OIAC می‌گذرد. دهه‌هایی که در طول آن‌ها استفاده از سلاح‌های کیمیایی امری عادی و رایج شده است. براین روال، شراز گسری، نماینده فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل در ۲۹ آوریل ۲۰۲۲، گفت: «ما امروز بیست و پنجمین سالگرد اعتبار قانونی یافتن «کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های کیمیایی» را به لطف همت و کار حرفه‌ای OIAC گرامی می‌داریم. ما فکر می‌کردیم که استفاده از این سلاح‌های شوم تمام شده، در حالی که، یک ربع قرن پس از تاسیس OIAC، و نزدیک به یک قرن پس از ممنوعیت استفاده از مواد کیمیایی مرگبار در جنگ، خطر استفاده از سلاح‌های کیمیایی نه تنها از بین نرفته، بلکه عادی و رایج شده است.»

استفاده از این مواد توسط حکومت‌های خودکامه مانند حکومت‌های سوریه، ترکیه، روسیه و اسرائیل و علیه مردم خودشان و یا در عرصه‌های درگیری یا جنگ‌های توسعه‌طلبانه سرزمینی انجام می‌شود.

مورد سوریه از جهات گوناگون نشان‌دهنده خطر بی‌عملی بین‌المللی نسبت به استفاده از سلاح‌های شیمیایی است. بمباران‌های انجام شده توسط دولت بشار اسد در سوریه، نماد شکست ائتلاف، رهاکردن مردم غیرنظامی به حال خود و مماشات بین‌المللی با آن است.

در ۲۱ اوت ۲۰۱۳، حکومت بشار اسد غوطه شرقی را با گاز سارین بمباران کرد و دست‌کم ۱۴۰۰ تن را کشت. باراک اوباما، رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده، پیش از آن اعلام کرده بود که استفاده از سلاح شیمیایی توسط حکومت سوریه «خط قرمز» او خواهد بود و به این ترتیب فهمانده بود که احتمال مداخله جامعه بین‌المللی در درگیری وجود دارد. اما، پس از حمله شیمیایی نظر خود را تغییر داد و در ۱۴ سپتامبر توافقی با روسیه درباره از بین بردن سلاح‌های شیمیایی سوریه امضاء کرد. در همان روز، سوریه به OIAC پیوست و تعهد کرد که دیگر «سلاح شیمیایی تولید، ذخیره یا استفاده نکند».

عضویت سوریه در OIAC سال ۲۰۲۱ به حال تعلیق درآمد.

از آن پس، بیش از ۲۰۰ حمله شیمیایی در خاک سوریه ردیابی شده که بیش‌تر آن‌ها به حکومت آن نسبت داده می‌شود. ۳ موسسه اروپایی مظنون به این هستند که در سال ۲۰۱۴ چندین تن ایزوپروپانول و دی‌تیل‌آمین به سوریه صادر کرده‌اند. خریدار این مواد «موسسه صنعتی داروسازی مدیترانه» (MPI)، تولیدکننده محصولی به نام وُل‌تاران است که پمادی ضد التهاب است که به‌صورت آزاد و بدون نسخه به فروش می‌رسد و پروانه ساخت آن را از یک شرکت داروسازی سوئیسی دریافت کرده است. ایزوپروپانول و دی‌تیل‌آمین هردو در ساخت گاز سارین و ماده سمی VX برای اعصاب به کار می‌رود.

در سال ۲۰۱۵، کشورهای غربی از این برآشتند که دریافتند «سازمان حکومت اسلامی» (داعش) هم به نوبه خود از سلاح‌های شیمیایی علیه کردها استفاده می‌کند. این مواد یا از ذخیره‌های قدیمی صدام حسین در عراق و یا از موادی بود که بشار اسد ادعا می‌کرد آن‌ها را از بین برده است.

فقدان واکنش از سوی جامعه بین‌المللی چراغ سبزی برای بشار اسد و متحد روسی‌اش ولادیمیر پوتین و ایرانی‌اش علی خامنه‌ای بود. آن‌ها بدون نگرانی یا بیم از مجازات توانستند به بمباران مردم ادامه دهند. استان‌های حما، حلب و ادلب زیر نگاه بی‌تفاوت جامعه بین‌المللی با گازهای سارین، خردل و کلور بمباران شد...

در سال ۲۰۱۹، نخستین سوءظن‌ها درمورد استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط ترکیه علیه کردهای عراق و سوریه برانگیخته شد. این اتهامات همزمان با تهدیدهای رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه مبنی بر بازکردن مرزهای اروپا به روی پناهجویان سوری بود که در ترکیه به‌سر می‌بردند. این‌بار، اردوغان از این سلاح جمعیتی که همواره برای دریافت امتیاز از غرب به‌کار می‌رفت، برای مبارزه علیه کردها استفاده کرد. ارتش ترکیه کردها را بمباران کرد و جامعه بین‌المللی لب از لب نگشود. تنها داستان معما گونه یک نوجوان کرد سوری ۱۳ ساله که به‌شدت در معرض گاز شیمیایی قرار گرفته بود، با وجود اقدام ترکیه برای بازپس گرفتن او، در فرانسه درمان شد. این درمان با آن که در نهایت اختفا انجام شد تا حدودی به رسانه‌ها راه یافت. کسی درباره نتیجه آزمایش‌هایی که می‌بایست نشان می‌داد از مواد شیمیایی استفاده شده چیزی نمی‌داند.

حزب کارگران کرد ترکیه و سازمان‌های وابسته به آن، همچنان به خبر رسانی درباره ۱۳۰۰ مورد حمله شیمیایی ترک‌ها به خاک کردستان در آوریل سال ۲۰۲۱ ادامه دادند. در ترکیه، کسانی که علیه این حملات موضع می‌گیرند دستگیر می‌شوند. شبنم کورو فینانجی، رئیس اتحادیه پزشکان ترکیه به اتهام «تبلیغ برای یک سازمان تروریستی» تحت تعقیب قرار گرفت چون خواهان انجام تحقیقات در این مورد شده بود. این دستگیری‌های پزشکان و روزنامه‌نگاران

موجی در رسانه‌های غربی به وجود آورد و آن‌ها را در مورد تجاوز به آزادی بیان نگران کرد و هنگامی که مخالفان کرد کوشیدند به اروپایی‌ها در مورد بمباران‌های کیمیایی نسبت به کردها هشدار دهند و در برابر دفتر OIAC در لاهه تجمع اعتراضی برگزار کنند، آن‌ها نیز دستگیر شدند.

ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، وخامت حال افرادی که در معرض سلاح‌های کیمیایی قرار گرفته بودند، کاملاً آشکار است که از مواد خفّان‌آور استفاده شده و کارشناسان به استفاده از گازهای خیلی سمی سوءظن دارند، بدون آن که بتوانند به شکل غیرقابل انکار آن را ثابت کنند. این درحالی است که به بهانه انجام تحقیقات مستقل، مانع از آن می‌شوند که افراد به محل رفته و با شاهدان بمباران‌ها گفت‌وگو کنند. یک نمونه آن هیئت نمایندگی انجمن بین‌المللی پزشکان برای پیش‌گیری از جنگ هسته‌ای (IPPNW) است که در سپتامبر ۲۰۲۲ به شمال عراق رفته و به سختی تحت نظر حزب دموکرات کردستان عراق (PDK) - تحت کنترل خاندان بارزانی - متحد نزدیک رییس جمهوری اردوغان - بوده است. هدف هیات بررسی این بوده که آیا موضوع برسر استفاده از گاز اشک‌آور بوده، که استفاده از آن در عرصه جنگ ممنوع است، یا ماده خطرناک‌تر فسفر که استفاده از آن در میدان جنگ، ولی نه علیه غیرنظامیان، مجاز است؟

با آن که این هیات به‌خاطر فقدان دلیل این موضوع را رها کرد، ولی در عنوان گزارش خود پرسش دیگری مطرح کرد: «آیا ترکیه در حال تخطی از مفاد کنوانسیون مربوط به سلاح‌های کیمیایی است؟» پرسشی کم و بیش اخلاقی همراه با اظهارنظری جدی مبنی بر این که انجام یک تحقیق مستقل بین‌المللی درباره تجاوزهای احتمالی به کنوانسیون سلاح‌های کیمیایی در شمال عراق فوریت دارد.

به‌نظر می‌آید که جامعه بین‌المللی عجله و جدیتی برای انجام یک تحقیق توسط سازمان ملل متحد درباره این موضوع ندارد. این درحالی است که کافی است یکی از حکومت‌های عضو OIAC خواهان تشکیل هیاتی برای تحقیق شود و به رییس جمهوری اردوغان این پیام را بفرستد که استفاده از سلاح‌های کیمیایی نسبت به مردم غیرنظامی بی‌کیفر نخواهد ماند.

منطقه عفرین در شمال غرب سوریه که تحت مدیریت کردها بود در ژانویه ۲۰۱۸، زیر رگبار آتش ترکیه قرار گرفت. کردها از مدت‌ها پیش خود را برای مقابله با حمله زمینی آماده کرده بودند اما بمباران‌های هواپیماهای اف ۱۶، به ویژه برای غیرنظامیان، نتایجی مرگبار داشت. به علاوه، این تجاوز ترکیه به فضای هوایی سوریه بدون موافقت ضمنی روسیه نمی‌توانست انجام شود.

این حمله ترکیه، منطقه را به آشوب کشید که در سه سال گذشته نسبتاً آرام بوده و مدیریتی مستقل در آن مستقر بوده است. عفرین با کوبانی و قامیشلی یکی از مناطق «فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه» است که مرد آن‌جا از دست جهادگران اسلامی به‌ویژه داعش و حکومت سوریه در امان مانده بود ولی به‌خاطر اقدامات ترکیه در جرابلس و الباب در سال ۲۰۱۶ از بقیه «روژاوا» دور افتاده و ترکیه مانع از یکپارچگی سرزمینی شمال سوریه شده بود.

ترکیه رسماً کانتون عفرین را به اشغال نظامی خود درآورد و از آن تاریخ تاکنون این منطقه در اشغال ارتش ترکیه و نیروهای جهادی مورد حمایت قرار دارد. کردهای عفرین و یا سایر نقاط روژاوا هرگز به ترکیه حمله نکرده‌اند. حقوق بین‌الملل در این مورد کاملاً روشن است: اشغال سرزمینی که به شما حمله نکرده یک جنایت جنگی است. سال‌ها است که از سراسر سوریه صدها هزار پناهنده به عفرین آمده و در آن به امنیت دست یافته بودند. حتی اردوگاه پناهندگان روبرار نیز مورد هدف حمله اف ۱۶ های ترکیه قرار گرفت.

تهاجم ترکیه پس از آن صورت گرفت که نیرویی متشکل از ۳۰ هزار تن، عمدتاً از اعضای «نیروهای دموکراتیک سوریه» (FDS) و «یگان‌های مدافع خلق» (YPG) نیرویی که «سازمان مخوف حکومت اسلامی» (داعش) را از شمال سوریه، رقه و دیرالزور بیرون رانده بودند. سال‌ها ترکیه از داعش حمایت می‌کرد و نفت آن را ارزان می‌خرد و با قیمت چند برابر خرید در اروپا می‌فروخت. حالا شکست داعش برای دولت اردوغان گران تمام شده بود و با اشغال نظامی عفرین از مردم کرد روژاوا انتقام گرفت.

«ارتش آزاد سوریه» (ASL) و تحریرالشام (شاخه پیشین القاعده) در میدان عمل، پیش قراول ارتش ترکیه بودند و همواره قبل از اشغال به روستاهای منطقه عفرین حمله می‌کردند. «ارتش آزاد سوریه» در آغاز علیه حکومت بشار اسد می‌جنگید، اما با گذشت زمان، اعضای آن توسط ترکیه مجهز و مسلح شده و آموزش دیده‌اند. اکنون آن‌ها علیه کردها در روژاوا می‌جنگند. در واقع آن‌ها، به‌صورت مزدورانی در خدمت ارتش ترکیه درآمده‌اند.

سال‌هاست که ارتش ترکیه دومین قدرت ناتو به‌همراه هزاران شبه‌نظامی اسلام‌گرای سوری از هوا و زمین به روژاوا، حمله می‌کنند. در سال‌های گذشته، در برخی حمله‌ها به روژاوا، در مساجد ترکیه «اذان فتح» سر داده شد. شبه‌نظامیان مورد حمایت ارتش ترکیه شعار «الله اکبر» گویان به مواضع نیروهای کردها حمله می‌کردند.

در سال ۲۰۱۴، هنگامی که نیروهای داعش حمله وسیعی به کردها در کانتوت کوبانی، آغاز کردند. دولت ترکیه، بلافاصله مرزهایش را به روی مردم کرد بست.

حمله داعش به کردهای ایزدی عراق و به دنبال آن محاصره کوبانی در شمال سوریه نام یگان‌های مدافع خلق «ی.پ.گ.» و یگان‌های مدافع زنان «ی.پ.ژ.» را جهانی کرد.

در اوت ۲۰۱۴ نیروهای «ی.پ.گ.» و «پ.ک.ک.» در جنگی نابرابر و خونین مسیری را از قلب مناطق تحت کنترل داعش در سوریه به کوهستان محاصره شده سنجار باز کردند. آن‌ها هزاران ایزدی را که روزها بود بدون آب و غذا در کوهستان گیر کرده بودند، با کامیون به مناطق کردنشین سوریه بردند و از آن‌جا به کردستان عراق بازگرداندند.

در سال ۲۰۱۴ داعش در سوریه و عراق در حملات برق‌آسا ده‌ها شهر کوچک و بزرگ را تصرف کرد. «شریعت اسلامی» را پیاده کرد و رقه را «پایتخت» خلافت اسلامی خواند.

اما در ۱۳۰ کیلومتری رقه در شهری کوچک «حماسه‌ای تاریخی»، رقم خورد. نیروهای کرد در کوبانی برای ماه‌ها مقابل داعش مقاومت کردند. در یک‌سو ترکیه مرزهایش را به روی کوبانی بسته بود و در سه طرف داعش آن‌ها را محاصره کرده بود. مقاومت کردها افکار عمومی جهانیان را با خود همراه کرد.

سیستم حکومتی «روژاوا» شورایی است. یک زن و یک مرد رهبری مشترک هر نهاد مدنی و امنیتی را به‌عهده دارند. زنان نیمی از جامعه محسوب می‌شوند و مادر و مدیر هم هستند. در جنگ کوبانی، بیش از ۱۱ هزار نفر در جنگ با داعش کشته شده‌اند که در میان جان‌باختگان جنگ، عکس هزاران زن بر سنگ قبرها دیده می‌شود. در «روژاوا» چند همسری و ازدواج اجباری دختران در این جامعه سنتی و اسلامی ممنوع شد. متخلفان زندانی و جریمه می‌شوند.

مناطق تحت کنترل کردها در شمال سوریه یکی از امن‌ترین مناطق در سوریه است؛ جایی که اعراب، مسیحیان و کردها نوحادوش هم با داعش جنگیدند.

پس از شکست داعش نیروهای دموکراتیک سوریه به قدرتمندترین شبه‌نظامیان این کشور مبدل شدند. اما ارتشی بدون نیروی هوایی و سلاح‌های سنگین پیشرفته و بدون سلسله مراتب خشک نظامی.



پس از آغاز اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ سوریه در شمال و شمال شرق این کشور، سه منطقه «فدرال» اعلام موجودیت کردند به اسم‌های جزیره، فرات و عفرین.

این سه منطقه فدرال بعدها در شکل مدیریتی آن‌جا به‌عنوان «کانتون» شناخته شد و تبدیل به شش کانتون حسکه، قامشلو، تل ابیض (گری سبی) و عفرین، کوبانی و شهبای شد.

در سال ۲۰۱۲، پس از خروج نیروهای دولتی مرکزی از استان‌های کردنشین شمال سوریه، این مناطق تحت کنترل نیروهای کرد در آمد. مناطق آزاد شده کانتون خوانده شدند. کانتون یک نوع بخش‌بندی کشوری کوچک است که در این‌جا بخشی از کنفدراسیون‌های دموکراتیک شمال و شرق سوریه به حساب می‌آید.

یکی از این کانتون‌های معروف کنفدراسیون‌های دموکراتیک شمال سوریه کوبانی است که مقاومت اهالی آن مقابل داعش حمایت و شهرتی جهانی یافت. در آن زمان سیستم سیاسی کردستان سوریه با عنوان خودمدیریتی دموکراتیک «روژآوا» شناخته می‌شد.

مبنای روابط اجتماعی و قانونی در «روژآوا» به یک قرارداد اجتماعی مرتبط است و اداره جامعه در «روژآوا»، به شیوه خودمدیریتی دموکراتیک و از کوچکترین جوامع محلی آغاز می‌شود.

اما آنچه امروز فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه و شرق سوریه خوانده می‌شود بر مبنای قراردادی است که از به هم پیوستن سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین ایجاد شد.

در اواسط مارس ۲۰۱۶ هیأت‌های هماهنگی خودگردانی‌های دموکراتیک همه کانتون‌های روژآوا (کردستان سوریه) به نمایندگی از کردها، عرب‌ها، آشوری‌ها، و ترکمان‌ها در شهر رمیلان در شمال سوریه جمع شدند. نتیجه این اجتماع، تشکیل یک مجلس موسسان ۳۱ نفره و اعلام تاریخ برای برگزاری اولین انتخابات بود.

بسیاری از ساکنان این مناطق کرد نیستند و حتی کردها در آن اکثریت را ندارند اما سیستم اداره شورایی این مناطق بر مبنای شیوه‌ای است که ابتدا در مناطق «روژآوا» ایجاد شد.

«روژآوا»، به‌معنای غرب است و به کردستان سوریه، یا آنچه کردها غرب کردستان می‌نامند اشاره دارد.

گمان می‌رود در این منطقه حدود سه تا چهار میلیون کرد زندگی کنند.

هر کانتون روژآوا از انجمن‌های محلی، شهرک‌ها و ناحیه‌ها تشکیل می‌شود که آن‌ها هم انتخابات خودشان را دارند.

بر اساس قرار داد اجتماعی «روژآوا»، فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه خود را متعهد به سه معیار اکولوژیک، دموکراتیک و آزادی زنان می‌داند.

بسیاری می‌گویند منع چند همسری و ازدواج اجباری دختران در این جامعه بشدت سنتی و اسلامی، از جمله پیشرفت‌هایی است که با اجرای کنفدرالیسم دموکراتیک رخ داد.

منبع حقانیت این فدراسیون به آرای گروه‌ها و اجتماعات مردمی این جغرافیا منوط شده و قرار است از راه انتخابات آزاد و دموکراتیک تامین شود.

آموزش و به کارگیری تمام زبان‌های موجود در تمام سطوح اجتماعی و سیاسی از دیگر موضوعات مورد تاکید در قرارداد اجتماعی «روژآوا» است.

هر کانتون «روژآوا» از انجمن‌های محلی، شهرک‌ها و ناحیه‌ها تشکیل می‌شود که آن‌ها هم انتخابات خودشان را دارند. بر اساس آنچه در «روژآوا» اعلام شده است انتخابات متعددی برای اعضای شهرداری‌ها و انجمن‌های محلی و کنگره دموکراتیک خلق‌ها وجود دارد.

محدوده جغرافیایی کانتون‌های «روژآوا» شمال و شمال شرق سوریه است که از عفرین تا نزدیکی‌های مرز ابوکمال اعلام شده بود.

نیروهای دموکراتیک سوریه ائتلافی از نیروهای کرد، ترکمن، آشوری و عرب است. با این حال، به مرور کردهای سوریه خود را در دو تشکل اصلی یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ) و یگان‌های مدافع زنان (ی.پ.ژ) سازماندهی کردند. کردهای سوریه بارها اعلام کرده‌اند که قصد جدایی از سوریه را ندارد. تشکیلات خودگردان شمال و شرق سوریه، همچنین بارها تاکید کرده که درصدد تشکیل یک دولت-ملت کرد نیست و تنها خواهان دموکراتیک شدن سوریه است. آن‌ها این شیوه مدیریتی را بر اساس روش خودمدیریتی دموکراتیکی تعریف می‌کنند که عبدالله اوجلان رهبر زندانی پ.ک.ک در «جلد دوم مانیفست تمدن دموکراتیک» پیشنهاد داده است.

مجله اشپیگل سال ۲۰۰۴، عنوان مصاحبه خود با آقای اوجلان را از حرف‌های او برگرفت و نوشت: «خداحافظ دولت کرد.»

اوجلان می‌گوید سیستم سیاسی پیشنهادی او، یعنی کنفدرالیسم دموکراتیک، ریشه در تاریخ ملت کرد دارد که هرگز دولتی نداشته‌اند.

نکته جالب در خصوص اجرای پیشنهاد سیستم سیاسی اوجلان در سوریه این بود که او خود وقتی به ناچار از ترکیه فرار کرد به عفرین در سوریه رفته بود. اوجلان معتقد است این شکل از خودگردانی می‌تواند الگویی برای خاورمیانه باشد.

این نزدیکی به ایده‌های عبدالله اوجلان و همچنین فعالیت حزب اتحاد دموکراتیک در مناطق کردنشین سوریه در سال‌های اولیه اعتراضات سوریه، از جمله بهانه و توجیهاتی است که ترکیه ادعا می‌کند نیروهای کرد سوریه و متحدان محلی و منطقه‌ای آن، وابسته به حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) هستند. اما اداره خودگردانی شمال و شرق سوریه این ادعا را رد می‌کند.

سوریه در دهه ۶۰ میلادی سیاست‌هایی را پیش گرفت که به جابه‌جایی اجباری کردها و همچنین تغییر ترکیب جمعیت منتهی شد. این سیاست دولت سوریه به «کمر بند عربی» مشهور است.

بنابر این طرح، دولت سوریه شماری از اقوام عرب، کلدانی و آسوری را در مناطق کردنشین کشور مستقر کرد. دولت سوریه، همچنین ده‌ها روستا را اشغال و تابعیت ده‌ها هزار نفر از کردها را لغو می‌کند. جمعیت سلب تابعیت‌شدگان بیش از ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

دولت سوریه در آن زمان با سلب تابعیت از بیش از ۱۰۰ هزار کرد برای آن‌ها «کارت اجانب» صادر می‌کند.

سال ۲۰۰۴، به دنبال یک مسابقه فوتبال بین تیم قاشملو و دمشق در مناطق کردنشین اعتراضاتی آغاز شد که از جمله معبود دفعاتی بود که کردهای سوریه اعتراض کردند.

سرانجام با شروع اعتراضات در سوریه، بشار اسد، رئیس جمهوری این کشور تصمیم به اصلاحاتی گرفت که از جمله آن‌ها اعطای شهروندی به کردهایی است که کارت مکتوم و اجانب داشتند.

کردهای سوریه پس از آغاز اعتراضات همواره سیاست «نه با اسد، نه با اپوزیسیون، پیش به سوی تاسیس کنفدرالیسم دموکراتیک» را اتخاذ کرده‌اند.

مبارزه پیگیر و جسورانه و مقاومت بی‌نظیر گریلا و حملات انقلابی اخیر علیه ارتش اشغالگر ترکیه، بار دیگر نشان داد این ارتش‌ها و دولت‌ها نیستند که تعیین‌کننده هستند، بلکه نیروهای انقلابی هم قادرند مسیر میدان مبارزه خود را ترسیم نمایند. در طی سال‌های گذشته، نیروهای گریلا با سازمان‌دهی نوین و به‌کارگیری تاکتیک جنگ نقاط ضعف دشمن را پیدا کنند و ضربات کوبنده‌ای بر آن‌ها وارد سازند. در استراتژی‌های نوین جنگ هرچند ارتش‌ها مجهز به تجهیزات نظامی پیشرفته‌ای گشته‌اند، اما در مقابل نیز گریلا هم توان دستیابی به تکنولوژی مدرن را داشته و این خود یکی از خصلت‌ها عصر مدرن است که زمینه دسترسی به فناوری را برای همگان فراهم می‌نماید. به خصوص تکنولوژی نرم افزاری دارای چنان خصلتی است که توان دسترسی بدان نسبت به فناوری‌های گول پیکر هم آسان‌تر است هم کاربردی‌تر. در جنگ نامتقارن که مبتنی بر میزان عدم توازن تجهیزات نظامی است، گریلا توانست با به‌کارگیری تاکتیک نوین بر برتری تکنولوژی نظامی ارتش اشغالگر ترکیه فایز آید.

در روژآوا، کسی مدعای سوسیالیسم ندارد اما روحیه انترناسیونالیستی و فعالیت سوسیالیستی در این منطقه بسیار بالاست؛ موقعیتی که در هیچ‌کدام از کشورهای منطقه وجود ندارد.

در نوامبر سال ۲۰۱۴ در مرز ترکیه و سوریه، یک کنفرانس اقتصادی دو روزه با عنوان «کنفرانس اقتصاد دموکراتیک» به همت کنگره جامعه دموکراتیک برگزار شد.

در بیانیه‌ای که در پایان نشست رمیلان منتشر شد به نکته‌ای بر می‌خوریم که می‌تواند راهگشای توسعه‌ی سرمایه‌داری در طولانی‌مدت و از میان بردن دست‌آوردهای درخشان اجتماعی سیاسی جنبش روژآوا باشد. در بند هفت این بیانیه آمده است که: «تمام جوامع موجود در سیستم «فدرالیسم دموکراتیک روژآوا شمال سوریه» می‌توانند روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود را با دیگر فرهنگ‌ها و جوامع موجود در منطقه و جهان توسعه دهند. این روابط و پیمان‌ها نباید با اهداف و منافع سیستم فدرالیسم دموکراتیک منافات داشته باشد.»

روشن است که در یک برنامه اقتصادی، نه رویاها و آرزوها، بلکه باید طرحی واقع‌بینانه برای گذار به‌سوی سوسیالیسم ترسیم شود، طرحی که به‌دور از احساسات زودگذر انقلابی باشد که چشم‌ها را به‌سوی آینده مبهم می‌بندد و از «امیدواری» تنها «توهم» برجای می‌گذارد. به خصوص اقتصاد روژآوا، توسعه کامل نیافته است.

یک جامعه توسعه‌نیافته که عناصر مترقی و بدیل تولید سرمایه‌داری در آن ریشه دوانده، می‌تواند به‌سوی سوسیالیسم حرکت کند، مشروط به آن‌که همپای یک جنبش انقلابی پروولتری باشد، وگرنه تمامی محتوای مترقی آن به دست تولید سرمایه‌داری تجزیه و نهایتاً فروکش می‌کند.

مشکل اساسی این طرح از این قرار است که منابع تولید ثروت در تمامیت این مناطق به‌شکلی متوازن توزیع نشده است. منطقه‌ی روژآوا صاحب منابع قابل‌توجهی از جمله گاز، معادن، و پتانسیل کشاورزی محصولات مثل زیتون است. لیکن در منطقه خودگردان شرق زمین‌های وسیع بیابانی و عاری از پتانسیل لازم وجود دارد. اگر نیروهای فعال

این منطقه توجه نکنند این که شاهد کانون‌های ثروت در یک‌سو و کانون‌های فقر در دیگر سو خواهیم بودف بعید نیست و این مسئله خود نقض ایده ابتدایی خودگردانی محلی برای رفع نابرابری اجتماعی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر اوضاع سرمایه‌داری جهانی، به گونه‌ای است که تحرک گرایش‌هاست و نژادپرست در همه جای جهان، نسبت به گذشته شدیدتر شده است.

دولت اشغال‌گر ترکیه طی سال‌های اخیر با صرف هزینه‌های زیادی توانسته بود ارتش خود را به فناوری‌های پیچیده‌ای در زمینه نظامی مجهز نماید، با به‌کارگیری «پهباد نظامی» سعی داشت خود را به‌عنوان ارتشی شکست‌ناپذیر تحمیل نماید و در این راستا هم اقتصاد ترکیه را تا آستانه ورشکستگی برده است. اما شواهد میدان جنگ در آواشین و زاپ بیانگر شکست دومین ارتش ناتو است که دولت ترکیه مدعی آن است.

در چنین وضعیتی، حکومت‌های فاشیستی و جنگ‌طلب منطقه خاورمیانه نیز به‌شدت فعال شده‌اند علاوه بر حکومت ترکیه، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران نیز حمله موشکی به اقلیم کردستان عراق و سوریه، انجام داده است. اواخر روز دوشنبه ۱۵ جنوری ۲۰۲۴-۲۵ دی ۱۴۰۲، سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در حملات خود به اهدافی در سوریه و عراق از ۲۴ موشک از انواع موشک‌های بالستیک استفاده کرده است.

طبق این اطلاعیه، «چهار موشک خیبرشکن از خوزستان به مقر داعش در منطقه ادلب سوریه» و «چهار موشک از غرب و هفت موشک دیگر از شمال غرب کشور به مقر سازمان اطلاعات اسرائیل (موساد) در اقلیم کردستان» شلیک شده است.

سپاه می‌گوید، همچنین ۹ فروند از انواع موشک‌های بالستیک را به «محل‌های استقرار سایر گروه‌های تروریستی» در دیگر «مناطق اشغالی سوریه» شلیک کرده است.

شورای امنیت اقلیم کردستان نیز در بیانیه‌ای با توصیف این حمله به عنوان یک «جنایت» اعلام کرد که در حملات به اربیل دست کم چهار غیرنظامی کشته و شش نفر دیگر زخمی شدند.

منابع امنیتی و پزشکی عراق اعلام کردند که پیشرو دیزمی، تاجر سرشناس کرد و تعدادی از اعضای خانواده‌اش در میان کشته‌شدگان برخورد دست‌کم یک موشک به خانه‌شان بودند.

دیزمی که از محافل نزدیک به طایفه حاکم بارزانی است، مالک شرکت‌هایی است که مدیریت پروژه‌های عمده املاک در کردستان را در دست داشت.

رسانه‌های اقلیم کردستان ویدیویی منتشر کردند که لحظه بیرون کشیدن جنازه نوزادی را از زیر آوار در پی حمله موشکی سپاه به اربیل نشان می‌دهد. بر اساس گزارش‌ها، او زینا پیشرو دزیمی نام دارد و قرار بود در روز ۲۵ جنوری (پنجم بهمن) تولد یک‌سالگی‌اش را جشن بگیرد.

وزارت خارجه عراق تایید کرده که «پیشرو دیزایی» تاجر کرد در حمله موشکی به خانه‌اش در نزدیکی اربیل کشته شده است. «پیشرو مجید آقا» که به «پیشرو دیزایی» شهرت داشت، متولد اربیل و فارغ‌التحصیل از دانشگاه این شهر بود حدود ۶۵ سال داشت. او رئیس دو شرکت «گروه فالكون» و «امپایر ورلد» بود. خود او در ویدئویی توضیح می‌دهد که مالکیت دو شرکت کاملاً در اختیار عراقی‌هاست و درآمدش را هم در عراق سرمایه‌گذاری می‌کند.

رسانه‌های کردی و عربی گزارش دادند که کودک ۱۱ ماهه او هم کشته و همسر و دو فرزند دیگرش زخمی شده‌اند. یک تاجر عراقی و یک زن فیلیپینی هم بنابر گزارش‌ها کشته شده‌اند. پیشرو مجید آقا از تاجران ثروتمند و پر نفوذ کردستان عراق بود و به گزارش رویترز با خانواده بارزانی رابطه نزدیکی داشت. کرم میخائیل، بازرگان مسیحی از اقلیم کردستان، مدیر عامل شرکت رایان و مدیر نمایندگی شرکت‌های سونی و سامسونگ در اقلیم، دیگر بازرگانی بود که در حمله سپاه پاسداران به منزل پیشرو دیزایی کشته شد. طبق گفته منابع امنیتی عراق، یک موشک به منزل یکی از مقامات ارشد اطلاعاتی اصابت کرد و موشکی دیگر، مرکز سرویس اطلاعاتی کردستان را هدف قرار داد.

وزارت خارجه عراق روز سه‌شنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد: دولت عراق تجاوز ایران به شهر اربیل از طریق بمباران اماکن مسکونی با موشک‌های بالستیک که منجر به قربانی شدن غیرنظامیان شد را شدیداً محکوم می‌کند. به گزارش میدل ایست نیوز، در این بیانیه آمده است: با توجه به ویرانی ناشی از این بمباران و قربانی شدن بی‌گناهان در بمباران ساختمان‌های مسکونی از جمله خانه پیشرو دزیی، تاجر کرد، وی و خانواده‌اش به شهادت رسیدند. از سویی وزارت خارجه امریکا، حملات در نزدیکی اربیل را محکوم کرد و آن‌ها را «متهورانه» توصیف کرد. مقامات امریکایی گفتند که هیچ‌یک از تاسیسات امریکایی هدف قرار نگرفته و خسارت جانی به امریکایی‌ها وارد نشده است.

خبرگزاری تسنیم، نزدیک به سپاه پاسداران، و ایرنا شامگاه سه‌شنبه ۲۶ دی‌ماه خبر دادند که این نیروی نظامی به بلوچستان پاکستان موشک شلیک کرده و مدعی شدند که دو مقرر گروه جیش‌العدل را منهدم کرده است. بر اساس گزارش یاد شده، این مقرها «توسط موشک و پهپاد مورد اصابت قرار گرفته و منهدم شده‌اند». علی خامنه‌ای روز سه‌شنبه ۲۶ دی در دیدار با «نمایندگان ولی فقیه و ائمه جمعه» گفت که ملت یمن و دولت انصارالله با این حملات «انصافاً کار بزرگی انجام داده‌اند». به اعتقاد خامنه‌ای، حوثی‌ها به اسرائیل «ضربه» زده‌اند و کارشان «مصدق جهاد» است. او ابراز امیدواری کرد که این تلاش‌ها «تا پیروزی ادامه پیدا کند».

همچنین با گذشت صد روز از آغاز جنگ در غزه، هم اوضاع انسانی این منطقه بحرانی‌تر شده و هم مساحت مناطق امنی که ساکنان این باریکه در تلاش‌اند به آن پناه ببرند، به‌مرور کوچک‌تر شده است. بیش‌تر قربانیانش غیرنظامی‌ها هستند که بنا بر گزارش‌ها حدود یک‌سوم‌شان کودک بوده‌اند. براساس اعلام وزارت بهداشت فلسطینی، در پایان صدمین روز از جنگ غزه، شمار قربانیان حملات اسرائیلی به مرز ۲۴ هزار نفر نزدیک شده است.

علاوه بر آن، وضعیت انسانی در نوار غزه هم بسیار وخیم گزارش می‌شود و کمک‌های بشردوستانه‌ای که به این منطقه می‌رسد، بنا به اعلام سازمان‌های امدادرسان بین‌المللی، در برابر حجم نیازها ناچیز است. ارزیابی‌های سازمان ملل متحد، نشان می‌دهد که حدود ۸۵ درصد از ساکنان نوار غزه که شمارشان حدود دو میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است، مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند.

حزب کارگران کردستان «پ‌ک‌ک»، از سال ۱۹۸۴، در مقابل دولت‌های فاشیستی و ارتش اشغالگر ترکیه، وارد فاز عملیات‌های مسلحانه چریکی شده است. از آن تاریخ تاکنون، دولت‌های ترکیه، همواره قول نابودی پ‌ک‌ک را داده‌اند اما به‌معنای واقعی، برخلاف ادعای این دولت‌ها، حزب کارگران کردستان روزبه‌روز قوی‌تر و اجتماعی‌تر شده است.

کردستان سوریه(روژآوا) نیز بزرگترین کابوس دولت فاشیست و نژادپرست ترکیه است. همه مقامها در فضایی دموکراتیک و آزاد انتخاب میشوند و بهصورت مشترک توسط یک مرد و یک زن هم اداره میشود. به همین دلیل این سیستم مدیریتی مستقل و دموکراتیکترین و عادلانهترین از لحاظ مدرسیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زبانی، مذهبی است. آزادی و اشتراک زنان در همه فعالیتها بی نظیر است.

نیروهای کرد روژآوا، یکی از خطرناکترین و وحشیترین نیروی اسلامی جهان را شکست سختی داد و به حاکمیت و قدرقدرتیاش پایان داد. جنگ خوین داعش، تنها علیه کردها نبود، اما نیروهای روژآوا به نمایندگی از انسانیت با داعش جنگیدند. روژآوا تاریخی ساخت که در نسلهای آینده این حماسه ماندگار خواهد شد.

نیروهای خودمدیریتی روژآوا، در جنگ با داعش و شکست آن، بهای سنگینی پرداختند و بیش از ۱۱ هزار جان باخته و ۲۴ هزار مجروح برای آزادسازی منطقه داشته، با این وجود همچنان در مقابل متجاوزان با تمام قدرت ایستادگی میکنند.

سهشنبه بیست و ششم دی-جدی- ۱۴۰۲-پانزدهم جنوری ۲۰۲۴